

خبر	
ترامپ آسمان ونزوئلا و پیرامونش را «بسته» اعلام کرد	
نشانه های آغاز جنگ در کارائیب	
دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که آسمان ونزوئلا و پیرامون آن بر روی همه پروازها بسته‌است.	
به گزارش خبرتلایم، دونالد ترامپ با انتشار یک پیام در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به تمام خطوط هوایی، خلبانان، قاچاقچیان مواد مخدر و قاچاقچیان انسان: لطفاً حريم هوایی بالای ونزوئلا و اطراف آن را کاملاً بسته‌شده تلقی کنید. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم! رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ» این پیام دونالد ترامپ پس از ماه‌ها تجمع نیروهای آمریکایی در دریای کارائیب و حملات به قایق‌های تندرو در اطراف ونزوئلا، شائبه آغاز جنگ جدید آمریکا علیه ونزوئلا را تقویت کرده‌است.	
هفته گذشته، اداره هوانوردی فدرال آمریکا (FAA) به خطوط هوایی بزرگ دربارهٔ «وضعیت بالقوه خطرناک» هنگام پرواز بر فراز ونزوئلا به دلیل «وخامت اوضاع امنیتی و افزایش فعالیت‌های نظامی در داخل یا اطراف» این کشور هشدار داد.	
ونزوئلا حقوق عملیاتی شش خط هوایی بزرگ بین‌المللی را که پس از هشدار FAA پروازهای خود به این کشور را تعلیق کرده بودند، لغو کرد.	
به نوشته پایگاه خبری د هیل، روز پنجشنبه، ترامپ به نیروهای نظامی گفت که ایالات متحده «خیلی زود» اقداماتی زمینی در ونزوئلا انجام خواهد داد، زیرا دولت او در تلاش است «برای بازداشتن قاچاقچیان مواد مخدر ونزوئلا که تعدادشان زیاد است» اقدام کند.	
در چارچوب «عملیات نیزه جنوبی» (Operation Southern Spear)، دولت آمریکا دریای کارائیب را برای یافتن کشتی‌هایی که ادعا می‌شود مواد مخدر را به سواحل ایالات متحده منتقل می‌کنند، تحت نظر قرار داده است. وزارت دفاع آمریکا مجموعه‌ای از حملات را علیه این قایق‌ها انجام داده و از سپتامبر تاکنون بیش از ۱۰ نفر را کشته است. کاخ سفید و پیت هگست، وزیر دفاع، از این عملیات دفاع کرده‌اند و گفته‌اند که این اقدامات به سطح «خصومت»‌هایی که طبق قطعنامه اختیارات جنگی (WPR) نیازمند تصویب کنگره باشد، نمی‌رسد.	
دولت ترامپ همچنین نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا را متهم کرده است که رئیس «کارتل د لوس سولیس» است—گروهی که دولت آمریکا اخیراً آن را یک سازمان تروریستی خارجی اعلام کرده است. مقام‌های آمریکایی مادورو را «رهبر عیرقانونی» ونزوئلا خوانده‌اند.	
در ماه‌های گذشته تجمع نظامیان آمریکایی در منطقه به شکل گسترده‌ای افزایش یافته است که شامل هواییماهای جاسوسی، جنگنده‌های F-۳۵، ناوهای جنگی و تجهیزات دیگر، در حالی که تنش‌ها رو به افزایش است. ناو هواپیمابر جرال‌ آر. فورد، بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر جهان، اوایل ماه جاری وارد آب‌های آمریکای لاتین شد. ترامپ همچنین به سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) اجازه داده تا عملیات مخفیانه‌ای در داخل این کشور آمریکای جنوبی انجام دهد.	
به گزارش وال استریت ژورنال در اکتبر، دولت آمریکا در صورت حمله احتمالی، فرودگاه‌ها و بنادر تحت کنترل ارتش ونزوئلا را به‌عنوان اهداف بالقوه شناسایی کرده است. مادورو خواستار صلح بین دو کشور شده است، و اکثر آمریکایی‌ها نیز می‌گویند نمی‌خواهند شاهد اقدام نظامی ایالات متحده در ونزوئلا باشند. یک نظرسنجی اخیر شبکه CBS News/YouGov نشان داد که ۷۰ درصد آمریکایی‌ها با هرگونه درگیری نظامی مخالفت می‌کنند.	



بنادر رو به خلیج فارس، بازارهای مهم برای تاجیکستان و بخشی از اقتصاد ازبکستان و ترکمنستان و پیوندهای فرهنگی. ولی این مزیت‌ها دیگر «تضمین‌کننده» نیستند. منطقه شبکه‌ای می‌سازد که ریسک را پخش کند نه اینکه متمرکز کند. برای بازگشت ایران به جایگاه مورد انتظار باید: تأمین سوخت پایدار، گمرک قابل پیش‌بینی، هماهنگی سریع‌تر میان نهادها، تکمیل رشت-آستارا و حذف نوسانات اداری فراهم شود.

به گزارش خبرآنلاین به نقل از نشنال اینترست با وجود موقعیت جغرافیایی راهبردی ایران تحریم‌ها و بی‌ثباتی مقررات داخلی باعث شده کشورهای آسیای مرکزی نتوانند روی مسیرهای تجاری عبوری از ایران حساب باز کنند.

سه دهه است که تهران در این تصور بوده که موقعیت جغرافیایی‌اش نهایتاً آسیای مرکزی را به‌سمت جنوب و به‌سوی خلیج فارس و اقیانوس هند می‌کشاند. استدلال ساده بود: ایران کوتاه‌ترین مسیر دسترسی این کشورها به آب‌های آزاد است. این تصور آن‌قدر در استراتژی‌نویسی تهران تکرار شده بود که تبدیل به حقیقتی پدیده‌ی در ذهن سیاست‌گذاران شد. اما جغرافیا همیشه تعیین‌کننده نیست. در دنیای امروز انتخاب مسیرهای حمل‌ونقل فقط به فاصله و زمین وابسته نیست بلکه تحت‌تأثیر مقررات بیمه تحریم‌ها استانداردهای گمرکی و نیازهای روزمره‌ی صادرکنندگان قرار دارد. فشار این عوامل در سه سال اخیر باعث شد دولت‌های آسیای مرکزی واقع‌بینانه‌تر نگاه کنند و به مسیرهایی توجه کنند که «عملاً» قابل استفاده هستند. ایران همچنان مهم است اما نه در مرکزی که سال‌ها در تهران تصور می‌شد. تا پیش از ۲۰۲۲ بخش عمده‌ای از بار آسیای مرکزی از خاک روسیه

به گزارش فاررو به نقل از الجزیره نت، در حالی که تنش‌ها میان جمهوری اسلامی ایران و ترویکای اروپایی (شامل فرانسه، بریتانیا و آلمان) پس از فعال‌سازی سازوکار «ماشه» از سوی این سه کشور در چارچوب توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ رو به افزایش گذاشته، سفر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به پاریس بیش از آن‌که صرفاً یک دیدار تشریفاتی باشد، تلاشی حساب‌شده و محتاطانه برای حفظ و ترمیم باقیمانده کانال‌های گفت‌وگو و پل‌های ارتباطی میان دو طرف است. اکنون پرسش کلیدی اینجاست که آیا این سفر می‌تواند شکافی هرچند محدود در دیوار یخ‌زده پرنوده هسته‌ای تهران ایجاد کند؛ دیواری که در سال‌های اخیر، روابط ایران با قدرت‌های غربی را در وضعیتی از انجماد و بی‌اعتمادی عمیق فرو برده است.

نشست عراقچی در پاریس؛ آزمون آخرین ظرفیت‌های دیپلماسی زیر سایه ماشه و تل‌آویو

در تلاشی که بیش از هر چیز به آزمایشی برای سنجش میزان اراده و آمادگی بازیگران ذی‌نفع جهت یافتن یک «فضای ممکن» برای تفاهم میان دو طرف شباهت دارد، عباس عراقچی دو روز پیش، در روز چهارشنبه، با همتای فرانسوی خود ژان‌نوفل بارو دیدار کرد؛ نشست‌ی که از زمان فعال شدن سازوکار «ماشه» در سپتامبر/اوت سال گذشته، نخستین ملاقات در این سطح میان ایران و یکی از اعضای ترویکای اروپایی به شمار می‌رود.

در تهران، بخشی از محافل سیاسی همچنان چشم‌به همان «پنجره باریک دیپلماتیک» دوخته‌اند و امیدوارند ابتکار پاریس بتواند مانعی در برابر تشدید هرچه بیشتر بحران ایجاد کند؛ اما در سوی دیگر، امیدهای گروهی دیگر زیر فشار مجموعه‌ای از موانع ساختاری، بی‌اعتمادی انباشته و دگرگونی‌های ناشی از اوج‌گیری تنش‌های منطقه‌ای، یک‌به‌یک فرو می‌ریزد. این‌دوگانه امنی و بدبینی، خود بازتابی است از پیچیدگی مرحله کنونی و حساسیت رورونده‌های درهم‌تنیده‌ای که اکنون روی میز گفت‌وگوها در پاریس قرار دارد.

با آن‌که بنا بر روایت تهران، دو طرف ایرانی و فرانسوی در این دیدار بر «ضرورت تداوم مشورت‌ها برای رفع موانع و تسهیل روابط» به توافق رسیده‌اند، نفس این سفر پرده از شکافی عمیق و ریشه‌ای در مواضع دو کشور برداشت؛ شکافی که به‌ویژه در دو حوزه برنامه هسته‌ای ایران و روند رو به تصاعد تنش در خاورمیانه به‌روشنی نمایان شد.

در همین چارچوب، بیانیه پایانی صادرشده از سوی تهران بر انتقاد صریح عباس عراقچی از «عملکرد سه کشور اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» انگشت گذاشت و او، ترویکای اروپایی را مستقیماً مسئول وضعیت بحرانی کنونی معرفی کرد. به‌گزارش خبرگزاری رسمی ایران، هیئت ایرانی «نگرانی عمیق خود را از افزایش نقش حمایت قانون در سطح بین‌المللی، تضعیف اصول اساسی منشور سازمان ملل متحد

به‌ویژه در منطقه غرب آسیا و تداوم جنایت‌ها و تجاوزهای یل‌باله صهیونیستی علیه دولت فلسطین و

لبنان و سایر کشورهای منطقه» ابراز کرده است.

در سوی دیگر ماجرا، عبدالرضا فرجی‌راد، سفیر پیشین ایران در نروژ یادآوری می‌کند که فرانسه همچنان رسماً به سیاست «غنی‌سازی صفر» برای ایران پایبند است؛ در حالی که تهران بر حق مسلم خود برای برخورداری از یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید می‌ورزد. این تقابیل، عملاً از وجود یک مانع اساسی و ریشدار در مواضع دو طرف پرده برمی‌دارد؛ به‌ویژه

در شرایطی که از یک سو تهران زیر فشارهای مداوم واشنگتن قرار دارد و از سوی دیگر، خود آمریکا مایل است دست‌کم در سطحی کنترل‌شده، کانال گفت‌وگو با ایران را باز نگه دارد.

در این دیدار بر «ضرورت تداوم مشورت‌ها برای رفع موانع و تسهیل روابط» به توافق رسیده‌اند، نفس این سفر پرده از شکافی عمیق و ریشه‌ای در مواضع دو کشور برداشت؛ شکافی که به‌ویژه در دو حوزه برنامه هسته‌ای ایران و روند رو به تصاعد تنش در خاورمیانه به‌روشنی نمایان شد.

در همین چارچوب، بیانیه پایانی صادرشده از سوی تهران بر انتقاد صریح عباس عراقچی از «عملکرد سه کشور اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» انگشت گذاشت و او، ترویکای اروپایی را مستقیماً مسئول وضعیت بحرانی کنونی معرفی کرد. به‌گزارش خبرگزاری رسمی ایران، هیئت ایرانی «نگرانی عمیق خود را از افزایش نقش حمایت قانون در سطح بین‌المللی، تضعیف اصول اساسی منشور سازمان ملل متحد

به‌ویژه در منطقه غرب آسیا و تداوم جنایت‌ها و تجاوزهای یل‌باله صهیونیستی علیه دولت فلسطین و

لبنان و سایر کشورهای منطقه» ابراز کرده است.

در سوی دیگر ماجرا، عبدالرضا فرجی‌راد، سفیر

پیشین ایران در نروژ یادآوری می‌کند که فرانسه همچنان رسماً به سیاست «غنی‌سازی صفر» برای ایران پایبند است؛ در حالی که تهران بر حق مسلم خود برای برخورداری از یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید می‌ورزد. این تقابیل، عملاً از وجود یک مانع اساسی و ریشدار در مواضع دو طرف پرده برمی‌دارد؛ به‌ویژه

ایران اینترنشنال مدعی شده است که «دولت آمریکا در پاسخ به درخواست مسعود پزشکیان از عربستان برای میانجیگری با هدف انسدادگیری مذاکره با آمریکا، یک‌بار دیگر بر شرایط سه‌گانه خود (کنار گذاشتن غنی‌سازی در خاک ایران به‌طورکامل، عدم حمایت از محورفقاومت و محدودیت برنامه موشکی) برای گفت‌وگو با ایران تأکید کرده‌است».

به گزارش تابناک، حضرت آیت‌الله العظمی خاتمه‌ای روز پنج شنبه ۶ آذرماه در گفتگویی با مردم درباره مسائل روز کشور، منطقه و جهان فرمودند: البته شایعاتی می‌کنند که دولت ایران به واسطه فلان کشور به آمریکا پیغام فرستاده است که این، دروغ محض است و چنین چیزی حتماً وجود نداشت. سخنان مقام معظم رهبری اشاره به ادعای ارسال نامه از سوی مسعود پزشکیان رئیس جمهور ایران به «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان سعودی پیش از سفر روی به آمریکا دارد.

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه سه‌شنبه ۲۷ آبان در کاخ سفید و در حضور «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان سعودی که به واشنگتن سفر کرده است، گفت: «فکر می‌کنم ما در بین بردن ظرفیت هسته‌ای ایران کار بزرگی انجام داده‌ایم.» ترامپ همچنین در پاسخ به سوالی درباره ایران مدعی شد: «فکر می‌کنم آنها به‌شدت خواهان دستیابی به توافق هستند. من کاملاً مایل به آن هستم و ما با آنها در حال گفت‌وگو هستیم و یک روند را آغاز کرده‌ایم، و خوب

سفر عراقچی به پاریس یخِ بن‌بست هسته‌ای را می‌شکند؟

نجات دیپلماسی در وقت‌های اضافه

با تشدید تنش میان ایران و ترویکای اروپایی پس از فعال‌سازی ماشه، سفر عباس عراقچی به پاریس تلاشی حساب‌شده برای حفظ کانال‌های دیپلماتیک و سنجش آخرین ظرفیت‌های گفت‌وگو ارزیابی می‌شود. در کنار دوگانه امید و بدبینی در تهران، شکاف عمیق بر سر برنامه هسته‌ای، جنگ اوکراین و نقش یازدارنده اسرائیل و لابی صهیونیستی، موانع اصلی هرگونه گشایش سریع‌اند. ابتکار پاریس در عین حال تلاشی برای جلوگیری از تشدید بحران و آزمون امکان جهش کیفی در روابط تهران و اروپا است.



سیاسی در ایران بر این باورند که با وجود همه این پیچیدگی‌ها و موانع روی‌روهم‌انباشته، گفت‌وگوهایی پاریس همچنان تلاشی برای آزمون امکان شکستن بن‌بست کنونی است. از نگاه آنان، هرچند نمی‌توان این راپرتی‌ها را به‌منزله یک «چرخش بزرگ» در مسیر دیپلماسی تعبیر کرد، اما می‌توان از آن به‌عنوان «جرقه‌ای محتمل» یاد کرد؛ جرقه‌ای که شاید پنجره‌ای باریک به‌سوی افقی گسترده‌تر بگشاید.

در همین راستا، ابوالقاسم دلفی، سفیر پیشین ایران در فرانسه، تصمیم وزارت خارجه برای گشودن پنجره‌ای تازه بر روی ترویکای اروپایی را «گامی جسورانه» در میانه دریایی متلاطم از صدهای مخالف توصیف می‌کند؛ چالغانی که پس از فعال شدن سازوکار ماشه از سوی این کشورها و همسویی هرچه آشکارترشان با سیاست‌های ایالات متحده، بر شدت انتقادها و مخالفت با هرگونه تلاش برای ترمیم پل‌های ارتباطی با قدرت‌های غربی افزوده‌اند.

دلفی در گفت‌وگو با «الجزیره نت»، با طرح پرسش‌هایی درباره پیامدهای تصمیم به قطع روابط و بستن کانال‌های دیپلماتیک، نسبت به تبعات چنین رویکردی در شرایط پرتنش کنونی هشدار می‌دهد. او در فضایی که به تعبیرش نوعی بن‌بست بر دیپلماسی ایران تحمیل شده است، از سفر عباس عراقچی به پاریس به‌عنوان تلاشی معنادار برای اثبات آمادگی ایران در جهت «ایجاد یک جهش کیفی» در مسیر کنونی یاد می‌کند؛ تلاشی که در عین حال، کوششی است برای مقابله با روایتی که برخی قدرت‌های دشمن تلاش می‌کنند جابیندازن مبنی بر این‌که «ایران تمایلی



به مذاکره ندارد.» به‌گفته او، پرونده هسته‌ای در مرکز اصلی گفت‌وگوهایی عباس عراقچی در فرانسه قرار دارد؛ با این توضیح که در پس‌زمینه این مذاکرات، نوعی «آینده تحمیلی» برای ایران در حال ترسیم است؛ آینده‌ای که ترویکای اروپایی، واشنگتن و تل‌آویو تلاش می‌کنند آن را بر پایه تشدید مداوم فشارها بنا کنند تا حلو‌فصل این پرونده را به مأموریتی تقریباً ناممکن تبدیل کنند. از نگاه دلفی، رنجبره‌ای از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های بین‌المللی، دور باطلی از تنش‌افزایی و رویارویی ایجاد کرده که در آن، هر گام تازه، صرفاً گام بعدی را سخت‌تر و پرهزینه‌تر می‌سازد.

دلفی بر این باور است که انتخاب رویکردی سیاسی از سوی وزارت خارجه ایران برای مواجهه با این «دیوار بن‌بست»، در واقع کوششی است برای سنجش میزان جدیت و اراده اروپایی‌ها پیش از آن‌که بحران وارد مرحله تازهای از تشدید تنش شود؛ مرحله‌ای که عواقبش ممکن است برای هیچ‌یک از طرف‌ها خوشایند نباشد. او در عین تأکید بر محدودیت‌های این مسیر، تصریح می‌کند که موفقیت گزینه دیپلماتیک میان تهران و پاریس، به توانایی فرانسه در متقاعد کردن شرکای اروپایی و آمریکایی خود گره خورده است. در پرتو کشمکش‌ها این پرسش در میان ناظران پررنگ‌تر از گذشته مطرح می‌شود که آیا این دور از راپرتی‌ها در پاریس توانایی شکستن بن‌بست موجود را دارد یا در نهایت باید آن را تنها یک ایستگاه دیگر در مسیر طولانی و فرساینده تشدید تنش‌ها میان ایران و غرب تلقی کرد؟

در قبال آمریکایی‌ها در مورد توافق با ایران پرسیده بود و لاریجانی پاسخ مثبتی به او داده بود. بنا بر اعلام این منابع، لاریجانی در عین حال تأکید کرده بود که تهران به ویژه پس از جنگ اسرائیل و آمریکا علیه آن در ژوئن گذشته، قصد دادن امتیاز به طرف مقابل را ندارد. بر اساس این گزارش، طرف سعودی همچنین با آمریکایی‌ها در مورد اهمیت تفاهم با ایران صحبت و تأکید کرده که این توافق به آشتی یا یمن نیز کمک کند. البته این مذاکرات مورد اعتراض تیم آمریکایی حامی رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. این منابع گفتند که این اولین بار است که عربستان سعودی با آمریکایی‌ها، نگرانی خود را از ماجراجویی احتمالی رژیم صهیونیستی برای از بین بردن فرصت‌های صلح در منطقه را ابراز و تأکید کرده که ثبات در خاورمیانه بدون تفاهم با ایران نمی‌تواند مستحکم باشد. این رسانه‌لبنانی اضافه کرده که حضور عباس عراقچی در فرانسه هم این ارتباط با این مسئله نیست و وزیر خارجه ایران قرار است در سفر خود به پاریس با مقام‌های عالیرتبه سعودی ملاقات کند و در صورت موفقیت‌آمیز بودن این جلسه، تماس‌های ریاض برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن شدت خواهد یافت. این ادعا برنای میانجیگری میان تهران و واشنگتن و تلاش برای حل و دیدار او با دونالد ترامپ مطرح شده است؛ سفری که گمانه‌نی‌ها در خصوص احتمال شکل‌گیری مذاکره ایران و ایالات متحده و همچنین حصول یک توافق بر سر برنامه هسته‌ای تهران را افزایش داده است.

خواهد بود اگر توافقی با ایران حاصل شود.» بن سلمان هم در این خصوص گفت: «ما تمام تلاش خود را برای دستیابی به توافق بین ایالات متحده آمریکا و ایران انجام خواهیم داد و معتقدیم که داشتن یک توافق خود برای آینده ما نیز خوب است و ایران نیز خواستار توافق است.» در این راستا، روزنامه لبنانی «الانصار» به نقل از منابع غربی مدعی شده بود که محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی از دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، مجوز گرفته است تا گفت‌وگوهایی را برای میانجیگری بین ایران و ایالات متحده آمریکا به منظور دستیابی به توافق بین دو طرف و رسیدن به مرحله برای نقاط اختلافی در مذاکرات دو جانبه مدیریت کند. این منابع گفتند که بن سلمان به رئیس‌جمهور آمریکا گفته است که چنین توافقی برای تضمین ثبات در کل خاورمیانه ضروری است. بن سلمان همچنین نگرانی خود را از اینکه کابینه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی ممکن است تلاش برای این توافق را مختل کند و به تشدید تنش علیه ایران دست بزند، ابراز کرده است. به ادعای این گزارش، طرف سعودی پس از پایان سفر بن سلمان به کاخ سفید با ایرانی‌ها تماس گرفته و با آنها بر سر برگزاری یک نشست فوری در سطح بلاطی ۲۴ ساعت آینده در پاریس بین مقامات سعودی و ایرانی توافق کرده است. این منابع گفتند که بن سلمان در آخرین نشست خود با علی لاریجانی رئیس شورای عالی امنیت ملی ایران در ریاض، از موضع تهران در قبال ابتکار سعودی

مدیر بندر گرجستان می‌داند واگن‌های قزاقستانی کی می‌رسند دیگر این تکارها مسیر جایگزین را تثبیت می‌کند. برگشت به مسیر قدیمی - حتی اگر کوتاه‌تر باشد - سخت می‌شود. تهران مسیر «شمال-جنوب» را تبلیغ می‌کند. راه‌آهن رشت- آستارا حلقه‌ای گشوده‌ی این مسیر است. خطی که سال‌هاست «در شرف تکمیل» اعلام می‌شود. وقتی کامل شود مهم خواهد شد ولی شرکت‌های حمل‌ونقل منتظر نمی‌مانند. هر سال تأخیر اشتیاق را کمتر کرده حتی برای هند که زمانی علاقه‌مند به مسیر ایران بود. موانع داخلی نیز بازدارنده‌اند: قوانین گمرکی که ناگهان عوض می‌شوند، کمبودهای مقطعی گازوئیل، نوسان شدید ارز و فرآیندهای اداری نامنظم. تاجار ایرانی به این وضعیت عادت کرده‌اند اما صادرکنندگان آسیای مرکزی چنین حاشیه‌ی امنی ندارند. آنها باید کالا را «به‌موقع» تحویل دهند و هر عدم‌قطعیت یعنی ریسک. تنش‌های ایران و اسرائیل و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای برای کشورهایی مثل قزاقستان ازبکستان و ترکمنستان خوشایند نیست. آنها نمی‌خواهند مسیرهای تجاری‌شان گروگان بحران‌های خاورمیانه باشد. مسیر خزر از این بابت امن‌تر است. قزاقستان: با آذربایجان گرجستان ترکیه و اروپا هماهنگ‌تر شده و مسیرهای صادرات نفت را هم متهم کرده. ازبکستان: که کاملاً محصور در خشکی است به مسیرهای نیاز دارد که با استانداردهای شفاف جهانی (مانند WTO) سازگار باشد. ترکمنستان: کمتر حرف می‌زند ولی عملش روشن است. بندر ترکمنشایی فعال‌تر شده و در سازوکارهای ریدپور غربی حضور پررنگ‌تری دارد. هیچ‌کدام از این‌ها ضدید با ایران نیست. صرفاً کاهش وابستگی است. جغرافیا کافی نیست. پایداری مهم‌تر است.

چرا ایران از شبکه جدید اتصال‌پذیری آسیای مرکزی جا ماند؟

تأثیر تحریم بر کاهش نفوذ در منطقه



البته که ایران هنوز مزیت‌هایی دارد:

بنادر رو به خلیج فارس، بازارهای مهم برای تاجیکستان و بخشی از اقتصاد ازبکستان و ترکمنستان و پیوندهای فرهنگی. ولی این مزیت‌ها دیگر «تضمین‌کننده» نیستند. منطقه شبکه‌ای می‌سازد که ریسک را پخش کند نه اینکه متمرکز کند. برای بازگشت ایران به جایگاه مورد انتظار باید: تأمین سوخت پایدار، گمرک قابل پیش‌بینی، هماهنگی سریع‌تر میان نهادها، تکمیل رشت-آستارا و حذف نوسانات اداری فراهم شود.